

بازتاب تعابیر و مضامین قرآنی و حدیثی در اشعار قاسم انوار

تاریخ دریافت مقاله: مهر ۱۳۹۹

تاریخ پذیرش مقاله: آبان ۱۳۹۹

فرزین حبیبزاده^۱

^۱ دانش‌آموخته کارشناسی ارشد، علوم قرآن و حدیث، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران

نویسنده مسئول:

فرزین حبیبزاده

چکیده

پرتوافشانی قرآن کریم و سخنان گهربار پیامبر اکرم (ص) و امامان معصوم (ع) در شعر و ادب فارسی سابقه‌ای دیرینه دارد. قاسم انوار، یکی از شخصیت‌های ادبی و عرفانی و از سرآمدان شعر و ادب فارسی زمان خود در قرن هشتم و نهم هجری است که مانند بسیاری از شاعران سبک عراقی نظیر مولوی و سنایی، کلامش مملو از آیات قرآن و سخنان معصومان (ع) و همچنین مزین به اشارات و تأویلات بزرگان صوفیه است. آنچه شعر قاسم انوار را به جایگاه قابل قبولی رسانده و ذکر او را در بسیاری از کتاب‌های تاریخ و ادب آورده است، آشنایی عمیق و گسترده شاعر با معارف قرآنی و آموزه‌های اسلامی و نیز تخصص در زمینه‌های ادب و عرفان و حکمت و فقه است. استناد و استشهادهای فراوان به آیات و احادیث متعدد در اشعار و آثار منثور، حاکی از اطلاعات قرآنی و روایی این شاعر عارف است. محور مباحث این نوشتار که با اتکا به روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است، بازنمایی تعابیر و مضامین قرآنی و حدیثی در اشعار قاسم انوار و بررسی و دسته‌بندی شیوه‌های نوآورانه و ساختارهای بدیع شاعر و نیز ارائه شواهد آن‌ها در بهره‌گیری از قرآن و حدیث است. مقاله حاضر نشان می‌دهد که اثرپذیری و بهره‌گیری از قرآن و حدیث در شعر قاسم انوار، از خصوصیات و ویژگی‌های برجسته و منحصر به فردی برخوردار است و شیوه‌ها و گونه‌های اثرپذیری این شاعر عارف از دو منبع اصیل معارف و عقاید اسلامی، متنوع و گاه بدیع و نوآورانه است.

کلمات کلیدی: شیوه‌های اثرپذیری، قاسم انوار، مضامین قرآنی و حدیثی، سخنان معصومین (ع).

مقدمه

تعالیم و آموزه‌های والا و انسان‌ساز اسلامی که از دو منبع اصیل و گرانمایه قرآن و حدیث سرچشمه می‌گیرد، از قدیم در تمام عرصه‌های حیات مسلمانان، از علم و فرهنگ گرفته تا سیاست و اجتماع، اثری روشن و بسزا داشته است. مطالعات و پژوهش‌های اندیشمندان و نویسندگان مسلمان، تأملات و تأویلات صوفیان و عارفان و همچنین اندیشه‌های حکیمان و فیلسوفان و متکلمان اسلامی، همواره متأثر از آیات قرآن و کلام امامان معصوم (ع) بوده است. افزون بر این، بسیاری از علومی (از قبیل علم بلاغت، علم تفسیر، علم کلام و...) که امروزه نیز محور بحث دانشمندان مسلمان و حتی اندیشمندان غربی است، از قرآن و مضامین والای آن تولّد یافته است.

یکی از عرصه‌هایی که قرآن و حدیث، بازتابی برجسته و شایسته در آن داشته است، سروده‌های سخنوران و شاعران و همچنین نوشته‌های ادیبان و دبیران در دو قالب متداول نظم و نثر است. آثار منظوم و منثور فارسی و عربی، مملو از مضامین و معانی والا و تعبیر عالی قرآنی و حدیثی است. شاعر و نثرپرداز با بهره‌گیری از این دو منبع مهم و معتبر در شناخت عقاید اسلامی، علاوه بر اینکه بر اعتبار اثر خود می‌افزایند و در استدلال‌های خود از آن بهره می‌گیرند، به عبارت‌پردازی و نوآوری‌هایی در خلق تعبیر و مضامین عالی با استفاده از قرآن و حدیث و همچنین اثربخشی بیشتر بر خواننده نیز توجه ویژه‌ای مبذول داشته‌اند. دکتر زرین کوب در کتاب وزین شعر بی‌دروغ، شعر بی‌نقاب، ضمن اینکه اهمیت تأثیر قرآن را در تکوین و تحول بلاغت و نقد ادبی مسلمین و همچنین در پیدایش محاسن و بدایع ادبی یادآور شده‌اند، درباره تأثیر و نفوذ کلام‌الله مجید در شعر آورده‌اند: «...وقتی پایه اساسی معرفت و تربیت مسلمین، قرآن است، تأثیر آن در اذهان شعرا و اهل ادب اجتناب‌ناپذیرست و قطعی. عیب نیست که شعرای فارسی‌زبان از همان آغاز پیدایش شعر فارسی تحت تأثیر آن بوده‌اند- نه فقط از معانی و قصص آن اخذ کرده‌اند بلکه استعارات و مجازات آن را هم به کار برده‌اند و حتی گاه بعضی اجزاء آیات را به شکل حلّ یا تضمین یا ترجمه در تلو اشعار خویش آورده‌اند. یک مطالعه اجمالی در دواوین شعرا شواهد کافی برای این دعوی عرضه می‌کند» (زرین کوب، ۱۳۷۲: ۸۲ و ۸۳).

اثربخشی و وام‌گیری از قرآن و حدیث در آثار سخنوران و گویندگان فارسی‌زبان به شکل‌های گوناگونی انجام گرفته است که از آن تحت عنوان «گونه‌ها» و «شیوه‌ها»ی اثربخشی از قرآن و حدیث یاد می‌شود (راستگو، ۱۳۹۱: ۱۵). یک نوع دسته‌بندی کلی شیوه اثربخشی، بر اساس پیدا یا آشکار بودن و پوشیده یا پنهان بودن اثربخشی از قرآن و حدیث است (راستگو، ۱۳۹۱: ۸)، که خود این دو نوع، گونه‌ها و شیوه‌هایی مختلف اثربخشی از آیات و روایات را در بر می‌گیرد.

وام‌گیری و اثربخشی از «واژه‌ها» و «ترکیب‌ها» و همچنین «جملات» و «گزاره‌ها»ی قرآنی و حدیثی، چه به شکل ساختار عربی و چه به صورت ترجمه و تفسیر فارسی آن‌ها، از بارزترین و اصلی‌ترین گونه‌های اثربخشی سخنوران و نویسندگان از این دو سرچشمه الهی به شمار می‌رود. علاوه بر تقسیم‌بندی اثربخشی به دو گونه واژگانی و گزاره‌ای (واژه‌ها، ترکیبات و جملات) که از مهم‌ترین و برجسته‌ترین گونه‌هاست، انواع دیگری از اثربخشی از جمله، اشاره، تلمیح، تضمین، حلّ (تحلیل)، اقتباس، توارّد و تمثیل نیز در ابیات و عبارات سخنوران و شاعران به کار رفته است (چلبی، ۱۳۷۱: ۱۱). دکتر راستگو گونه‌های دیگر از تقسیم‌بندی در این مقوله ارائه داده است که عبارت‌اند از: اثربخشی واژگانی شامل وام‌گیری، ترجمه و برآیندسازی، اثربخشی گزاره‌ای مشتمل بر اقتباس یا تضمین و حلّ، اثربخشی گزارشی شامل ترجمه و تفسیر، اثربخشی الهامی- بنیادی، اثربخشی تلمیحی، اثربخشی تأویلی، اثربخشی تطبیقی، اثربخشی تصویری، اثربخشی ساختاری- سبکی، اثربخشی شیوه‌ای و اثربخشی چندسویه. ایشان علاوه بر شرح و توضیح در باب این شیوه‌ها، نمونه‌هایی از بهره‌گیری‌ها و اثربخشی‌های شاعران فارسی‌گوی تا پایان سده هشتم را نیز آورده‌اند (ر.ک. راستگو، ۱۳۹۱: ۱۵-۸۷). دکتر راشد محصل، با اشاره به اینکه وسایل انتقال معانی قرآنی، محدود به چند صنعت بدیعی نیست و مضمون‌های دینی و قرآنی، می‌تواند در قالب‌ها و چارچوب‌های بسیاری به کار برود، مواردی از قبیل ارسال‌المثل، اشاره، اقتباس، درج، عقد، ترجمه، تضمین، تلمیح و حل را در این زمینه، پرکاربردتر دانسته‌اند (راشد محصل (۱۳۸۹)، ۲۵-۳۴). دکتر مؤذنی نیز استفاده از قرآن و حدیث در ادب فارسی را در صور گوناگونی نظیر اقتباس، تلمیح، تمثیل، حلّ، تضمین، درج و ترجمه دانسته است (مؤذنی، ۱۳۷۵: ۲۹-۳۴).

در مورد شیوه‌ها و گونه‌های بهره‌گیری از قرآن و حدیث و ارائه شواهد و نمونه‌های شعری و نثری، نزد اهل ادب و نویسندگان این حوزه، اتحاد ایجاد نشده است. به عبارتی، تقسیم‌بندی‌ها در بهره‌گیری از قرآن و حدیث، به شیوه‌ها و گونه‌های مختلف با ذکر شواهد و نمونه‌های شعری، اغلب جنبه ذوقی پیدا کرده است و این می‌تواند به این جهت باشد که از هر یک از این شیوه‌ها از جمله، اقتباس، تضمین، تلمیح و... تعریف واحد و یکسانی صورت نگرفته است، مثلاً برخی «اقتباس»، «تضمین»، «تلمیح»، «عقد» و «حلّ» را در شمار صنایع بدیعی دانسته‌اند (هدایت، ۱۳۸۳: ۱۸ و ۴۸؛ راستگو، ۱۳۸۲: ۲۹۴ و ۲۹۷؛ وحیدیان، ۱۳۸۸: ۶۶؛ شمیسا، ۱۳۹۳: ۱۱۲ و ۱۱۸؛ محبتی، ۱۳۸۶: ۸۸ و ۸۹ و ۱۱۲) و گروهی آن‌ها را در مبحث «سرفات شعری»

مطرح نموده‌اند (هاشمی، ۱۳۹۰: ۴۰۸-۴۱۵ همایی، ۱۳۸۹: ۲۳۳ و ۲۳۹). البته دکتر همایی تضمین و تلمیح را شامل صنعت‌های بدیعی دانسته‌اند. علاوه بر این، مثلاً دکتر راستگو، چون اقتباس و تضمین را به یک معنا دانسته است (راستگو، ۱۳۹۱: ۳۰). اثرپذیری از آیه شریف: (الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ طُوبَىٰ لَهُمْ وَحَسُنَ مَا أَتَىٰ رَاعِدًا) را در جایی با عنوان تضمین آورده است (راستگو، ۱۳۹۱: ۳۲) و در جایی دیگر، اقتباس (راستگو، ۱۳۸۲: ۲۹۵).

این صنعت‌های بدیعی که به نحوی رابط بین قرآن و حدیث و شعر و ادب فارسی هستند، در مقام عمل نیز سبب اختلاف و تشویش‌هایی در مطالعات ادبی - قرآنی شده‌اند. به عنوان نمونه، دکتر راستگو بهره‌گیری از حدیث شریف «الْخَيْرُ مَقْعُودٌ بِنَوَاصِي الْخَيْلِ» (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۱۱/۴۶۷ و پاینده، ۱۳۸۲: ۴۷۸) را در بیت سعدی، از نوع حَلّ (تحلیل) دانسته‌اند (راستگو، ۱۳۹۱: ۳۸) و دکتر همایی و دکتر مؤذنی، آن را از گونه اقتباس (همایی، ۱۳۸۹: ۲۴۰ و مؤذنی، ۱۳۷۵: ۲۹) و دکتر چلبی هم آن را جزء اقتباس دانسته که با صنعت ارسال‌المثل متحد شده است (چلبی، ۱۳۷۱: ۶۲):

احمدالله تعالی که علی رغم حسود خیل باز آمد و خیرش به نواصی مقعود

بنابراین، به جهت این‌که آیات قرآن و کلام معصومین (ع) به شیوه‌های گوناگونی در شعر و ادب فارسی تأثیر گذاشته است، ارائه یک یا چند قالب یکسان و نامگذاری خاص برای آن‌ها امکان‌پذیر و مورد اتفاق همه نیست و می‌توان از صنعت‌های گوناگون بدیعی از جمله تلمیح، اقتباس، تضمین، ارسال‌المثل و... برای انتقال مضامین و معارف قرآنی یا حدیثی از طریق شعر و نثر فارسی بهره برد. همان‌طور که گفته شد نامگذاری بر شیوه‌های اثرپذیری و ارائه شواهد ذیل آنها، اغلب جنبه ذوقی دارد و بسته به تعاریف نویسنده از هریک می‌تواند متفاوت باشد و «تا که قبول افتد و که در نظر آید».

قاسم انوار از جمله شاعران عارف قرن هشتم و نهم هجری است که مضامین و تعبیر قرآنی و حدیثی در اشعار و آثار منثور وی پرتو افکنده است. از میان ۶۵۰۰ بیت در دیوان شاعر که به کوشش دکتر سعید نفیسی با عنوان کلیات قاسم انوار به چاپ رسیده است، غزلیات و ابیات متعددی، با شیوه‌های گوناگون، به تأثیر از قرآن و حدیث سروده شده است. به دو علت می‌توان گفت که قرآن و حدیث در شعر قاسم انوار نمی‌توانسته تأثیرگذار نباشد: یکی اینکه وی پیرو طریقه عرفا بوده، و لذا آموزه‌های عرفانی و متون صوفیه ناگزیر از آیات قرآنی و سخنان نبوی و علوی بوده است، دوم اینکه گرایش وی در شاعری، به شاعران عارفی نظیر مولوی، عطار، سنایی و حافظ که از بزرگان سبک عراقی و پیشگامان اثرپذیری از قرآن و حدیث در شعر و ادب فارسی بوده‌اند، سبب شده است، شاعر در بسیاری از زمینه‌ها، از جمله تأثیر از قرآن و حدیث، به ایشان نظر داشته باشد و در این زمینه توانایی شایسته‌ای کسب کرده باشد.

آنچه درباره قاسم انوار و اندیشه‌های وی تحقیق شده است، مقاله‌ای با عنوان «جایگاه اهل‌بیت (ع) و عارفان بزرگ اسلامی در اشعار عرفانی قاسم انوار» نوشته یدالله بهمنی مطلق است و تاکنون جنبه‌های قرآنی و حدیثی و تحلیل کارکردهای آن در اشعار این شاعر مورد بررسی و مذاقه قرار نگرفته است. روش پژوهش در نوشتار حاضر، توصیفی و تحلیلی، با هدف بررسی و تحلیل تأثیر تعبیر و مضامین قرآنی و حدیثی در شعر قاسم انوار به نگارش درآمده است. مطالب این نوشتار در چهار محور کلی بدین شرح است: (۱) زمینه‌ها و اهداف بهره‌گیری از قرآن و حدیث؛ (۲) معرفی اجمالی قاسم انوار و سبک شعری او؛ (۳) جایگاه قرآن و حدیث در شعر قاسم انوار؛ (۴) انواع و گونه‌های اثرپذیری قاسم انوار از قرآن و حدیث؛ (۵) نتیجه‌گیری.

۱) زمینه‌ها و اهداف بهره‌گیری از قرآن و حدیث

در مورد جواز یا عدم جواز اقتباس و بهره‌گیری از آیات قرآن، در میان اندیشمندان و به ویژه فقیهان، اختلاف دیدگاه وجود دارد و هر کدام دلایلی برای مدّعی خود اقامه نموده‌اند. گروهی نظیر مالکی‌ها، اقتباس از آیات قرآن را امری ناپسند و آن را نوعی حرمت‌شکنی حریم قرآن دانسته‌اند، در نتیجه قائل به عدم جواز هستند. در مقابل، شافعی‌ها این عمل را گونه‌ای احترام به قرآن دانسته‌اند و به جهت اینکه اقتباس از قرآن و حدیث از روزگاران قدیم شایع بوده است، به جواز این عمل فتوا داده‌اند (راستگو، ۱۳۹۱: ۸ و چلبی، ۱۳۷۱: ۶۳). جلال‌الدین سیوطی (م ۹۱۱ق) در کتاب گرانقدر الإقتان فی علوم القرآن در جلد ۱ و در نوع سی و پنجم، ذیلی فصلی با عنوان «در بیان اقتباس و مانند آن»، به معرفی اقتباس و بیان انواع آن و بررسی دیدگاه‌های دو گروه قائلین و عدم قائلین به اقتباس از آیه یا حدیث در شعر پرداخته است.

گروهی که اقتباس از آیات نورانی قرآن را عملی پسندیده و شایسته دانسته‌اند، از اهدافی برای این عمل خود یاد کرده‌اند که سخنشان را تا حد زیادی، قابل قبول و معقول می‌نمایند. قرآن به دلیل قداست و حرمتی که مسلمانان از دیرباز به آن قائل بودند، می‌توانست به سروده و اثر شاعر نیز قداست و حرمتی ببخشد و سخنان آنان را نزد متدینان و مؤمنان به قرآن، پذیرفتنی‌تر و ماندگارتر سازد. یکی از اهدافی که شاعر در بهره‌گیری از قرآن و حدیث به آن عنایت داشته است، نشان‌دادن دانش و فضل خویش و نیز افتخار به علم‌اندوزی و قرآن‌دانی است (راستگو، ۱۳۹۱: ۶). علاوه بر اینها، اهدافی را که یک شاعر

یا نویسنده در بهره‌گیری از قرآن و حدیث دنبال می‌کند و در این امر انگیزه وی را دوچندان می‌کند، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- مستندساختن کلام خود با استفاده از آیات قرآن و سخنان معصومین (ع) برای بیان و سرودن اشعاری که بر ساخته از مضامین قرآنی و حدیثی است. این مطلب در تأیید و تأکید سخنان شاعر و نویسنده، بسیار با اهمیت است. در این مورد، قرآن و حدیث ابزاری مؤثر برای اثبات هدف گوینده در بیان امری است. چنانکه قاسم انوار از بخش پایانی آیه شریف (وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ لِلنَّاسِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ وَكَانَ الْإِنْسَانُ أَكْثَرَ شَيْءٍ جَدَلًا) (کهف/۵۴) به عنوان ابزاری برای اثبات و تأیید مدعای خود درباره صفت ردیله جدال در انسان کمک گرفته است:

تو جدل می‌کنی، اما چه کنی چون نکنی؟ گفت در حق تو حق: «اکثر شیء جدلا»

(غزلیات/۱۰۲)

- تبلیغ و ترویج آیین و مکتب و همچنین نشر تعالیم دینی و عقاید اسلام، با مدد از آیات و روایاتی که به این امر اشاره دارند. نظیر آنچه ناصر خسرو (م ۴۸۱ق) در اشعار و آثار خود برای ترویج مذهب اسماعیلی و تبیین مسائل آن انجام داده است. عرفا و بزرگان صوفیه نیز برای بیان و ترویج اندیشه‌های صوفیانه خویش، به آیات و روایات استناد جسته‌اند. به عنوان نمونه، بهره‌گیری از احادیث فراوانی از جمله «كُنْتُ كَنْزًا مَخْفِيًّا فَأَحْبَبْتُ أَنْ أُعْرَفَ فَخَلَقْتُ الْخَلْقَ لِكَيْ أُعْرَفَ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۹۹/۸۴ و فروزانفر، ۱۳۶۶: ۲۹)، به جهت اینکه با اندیشه‌های عرفا و اهل تصوف سازگاری دارد و در جهت اثبات گفته‌های ایشان است، بسیار به آن استناد می‌کنند. قاسم انوار نیز در بسیاری از موارد، مثنوی‌های خود را که با آیات و روایات و حکایات مناسب همراه است، به عنوان ابزاری برای بیان اعتقادات صوفیه و اطلاعات و عقاید آن‌ها به کار گرفته است.

- پند و نصیحت مردم با اقتباس از مفاهیم و مضامین اخلاقی در قرآن و روایات. شاعران بسیاری به این قسم توجه نشان داده‌اند و شعر خود را در خدمت مضامین اخلاقی و حکمی قرآن و حدیث قرار داده‌اند. اگر بخواهیم نمونه‌ای از این هدف در شعر قاسم انوار را ذکر کنیم، می‌توان به ابیات زیر در موضوع خیر و نیکی و رابطه آن با انفاق اشاره کرد:

چون ز دست بر نیاید نان دهی پای بر سر همچو مردان کی نهی؟
ای دل، از هستی بجان جوئی او «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا»

ابیاتی هم که در موضوع نفس‌آماره و صفات ردیله آن و نفس مطمئنه و ویژگی‌های پسندیده آن در شعر قاسم انوار آمده است، نمونه بسیار خوبی برای اثرپذیری از قرآن و حدیث با هدف موعظه و بیان مطلبی اخلاقی است.

- بیان و تفسیر آیات و روایات و به طور کلی آموزش و تعلیم کتاب الهی و سخن معصوم (ع) در قالب شعر و نثر. اثرگذاری کلام ادبی اعم از نظم و نثر از یک سو و استقبال مسلمانان از آثار دینی و نوشته‌های مذهبی که با ابزارهای زیباشناختی از قبیل وزن، قافیه، صورخیال و... آراسته شوند از سوی دیگر، شاعران را به اثرپذیری از قرآن و حدیث سوق می‌دهد.

دکتر راشد محصل پس از ذکر این مطلب که بیشترین کاربرد آیه و حدیث در جهت هدف‌های معنایی در ادب عرفانی و آثار اخلاقی است، به ده مورد از این اهداف اشاره کرده‌اند که عبارت‌اند از: ۱. تیمن و تبرک؛ ۲. تمسک و استشهاد؛ ۳. حکمت و پند؛ ۴. بیان اعتقادات؛ ۵. هشدار و انداز، تشویق و تهییج؛ ۶. تفسیر خاص؛ ۷. استشهاد از طریق مقایسه یا بیان تفضیل؛ ۸. تجلیل و تبجیل؛ ۹. مواردی از کاربرد آیات و حدیث؛ ۱۰. استفاده از تأویل آیات و احادیث (راشد محصل، ۱۳۸۹: ۵۵-۷۲).

دکتر راستگو نیز علاوه بر ذکر برخی اهداف فوق، اغراض دیگری را نیز در بهره‌گیری از قرآن و حدیث بیان کرده‌اند که از آن جمله است: تبرک و تیمن، تبیین و توضیح، تعلیل و توجیه، تشبیه و تمثیل، تحذیر و تحریض، تزیین و تجمیل، استشهاد و استناد، نکته‌پردازی، فضل‌فروشی، هنرنمایی و... می‌تواند پاره‌ای از این اغراض یکجا و با هم نیز زمینه‌ساز اقتباس باشند (راستگو، ۱۳۹۱: ۳۰).

۲) معرفی اجمالی قاسم انوار و سبک شعری او

قاسم انوار تبریزی، شاعر و عارف بزرگ قرن هشتم و نهم هجری، از آن جمله کثیر اندیشمندان و شاعرانی است که مطالعه و تدقیق در آثار و اندیشه‌های وی همواره مورد غفلت اهل ادب و عرفان واقع شده است. در این بخش، اشاره‌ای گذرا به زندگی شاعر، اساتید و آثار وی می‌شود و مجال معرفی مفصل شاعر و شعر و اندیشه وی در این مجیزه فراهم نیست. علاقمندان می‌توانند به کتاب «شاه قاسم انوار، بررسی احوال و آثار» نوشته دکتر حسن نصیری جامی و مقدمه دیوان شاعر به قلم همان مؤلف که هر دو کتاب توسط انتشارات مولی به چاپ رسیده است و همچنین کتاب‌های تاریخ ادبیات که تعداد آن‌ها هم کم نیست و دکتر نفیسی در مقدمه کلیات شاعر به برخی از آن‌ها اشاره کرده است، مراجعه کنند.

نام دقیق شاعر، سید علی بن نصر بن هارون بن ابوالقاسم حسینی یا موسوی تبریزی ملقب معین‌الدین یا صفی‌الدین بوده و در شعر، قاسم و قاسمی تخلص می‌کرده است (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۱/۱۷۳۲۸) و وی را به جهت سیادتش شاه قاسم می‌گفتند (رضازاده شفق، ۱۳۵۲: ۵۲۰). کلمه شاه در آن عصر، در آغاز نام کسانی که نسبشان به خاندان پیامبر (ص) می‌رسید معمول بوده است نظیر شاه نعمت‌الله ولی (انوار، ۱۳۳۷، صد و یک). برخی منابع نسب او را به امام موسی کاظم (ع) رسانده و او را سید موسوی خوانده‌اند، اما به تصریح خودش سید حسینی بوده است (سیوری، ۱۳۹۶: ۵۳). تولد وی به سال ۷۵۷ هـ ق در شهر سراب از توابع تبریز و وفات وی در سال ۸۳۷ هـ در قریه خرجرد جام از توابع نیشابور اتفاق افتاده است. (انوار، ۱۳۳۷: صد و دو؛ هدایت، ۱۳۸۵: هدایت، ۱۳۳۹: ۵۲) برخی وفات وی را در سال ۸۳۵ یا ۸۳۸ ذکر کرده‌اند (سمرقندی، ۱۳۸۵: ۶۲۳؛ دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۱/۱۷۳۲۸). در قرن نهم، به دستور امیر علیشیر نوائی، عمارتی زیبا بر قبر این عارف شاعر بنا گردید (انوار، ۱۳۳۷: صد و شش؛ صفا، ۱۳۶۳: ۲۵۸/۴؛ دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۱/۱۷۳۲۸).

قاسم‌الانوار لقب شاعر است که به گفته برخی، وی این لقب را از شیخ خود دریافت کرده است. وی مرید شیخ صدرالدین موسی فرزند شیخ صفی‌الدین اسحاق اردبیلی جد سلاطین صفویه بوده و به صحبت شیخ سید نعمت‌الله شاه نورالدین کرمانی رسیده است (هدایت، ۱۳۳۹: ۵۲ و ۵۳؛ دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۱/۱۷۳۲۸). شاه اسماعیل صفوی، از آن جهت که شاعر، از صوفیه طریقه شیخ صفی‌الدین اردبیلی، جد صفویه بوده است، به زیارت وی رفته است. شاه قاسم چهار بار با پای پیاده به زیارت حج سفر مشرف گردیده و مدتی در هرات سکونت داشته و به جهت اینکه وی محل توجه عامه بوده، شاهرخ میرزا صلاح را در آن دید که ایشان از آن شهر بروند. پس از آن شاعر به سمرقند رفته و مشمول عنایت و مورد تکریم میرزا الغ بیک گردیده است (هدایت، ۱۳۳۹: ۵۲؛ سمرقندی، ۱۳۸۵: ۶۴۸؛ مدرس، ۱۳۶۹: ۱/۱۹۶؛ براون، ۱۳۳۹: ۳/۶۹۴؛ دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۱/۱۷۳۲۸). هدایت در تذکره‌العارفین در مورد شخصیت قاسم انوار و رفتار شاهرخ میرزا با ایشان چنین می‌نویسد: «صیت کمالات ظاهری و باطنی آن جناب در انجمن افاضل و اراذل پراکنده گشت. ارباب غرض در محفل سلطانی به سعایت وی سخن راندند و گرد ملال بر خاطر شاهرخ میرزا نشانند لهذا سید را عذر خواست» (هدایت، ۱۳۸۵: ۲۳۵).

برخی از صاحب‌نظران تاریخ ادبی ایران، قاسم انوار را تحت تأثیر و نفوذ فرقه حروفیه و متمایل به اندیشه‌های ایشان دانسته‌اند. ادوارد براون با استناد به غزلی که محتوای آن را متضمن افکار صوفیه دانسته است، انوار را منسوب به فرقه حروفیه می‌داند (براون، ۱۳۳۹: ۴/۶۹۷ و ۶۹۹ و ۷۰۰). مطلع آن غزل عبارت است از:

سته ایام گفت و سبع سماوات ثم علی العرش استواست نهایات

در مقابل، گروهی این دیدگاه را نپذیرفته‌اند. دکتر نفیسی گفته‌اند که نمی‌توان قاسم انوار را با تهمت‌های صاحب‌غرضان، پیرو طریقه حروفیه دانست و سراسر آثار وی گواهی می‌دهد که صوفی مؤمن و معتقدی بوده است (انوار، ۱۳۳۷: هشتاد و نه و پنجاه و یک). دکتر صفا نیز گرایش قاسم را به حروفیان نپذیرفته و تصور براون را که با استناد به غزل ذکرشده، تمایل سید را به این فرقه اثبات کرده است، البته باطل و بی‌پایه دانسته است (صفا، ۱۳۶۳: ۴/۲۵۸). سیوری نیز نسبت حروفیه را به شاعر رد کرده است (سیوری، ۱۳۹۶: ۵۳).

آثار قاسم انوار عبارت‌اند از: دیوان اشعار، شامل غزلیات، ترجیع‌بند، مراثی، قطعات، ملمعات گیلکی و ترکی، رباعیات و چند مثنوی. مثنوی انیس‌العارفین و انیس‌العاشقین (رسالة الأمانة) با مقدمه‌ای منثور، شامل مضامین و اندیشه‌ها عرفانی شاه قاسم است. «بیان واقعه دیدن تیمور» و «صد مقام در اصطلاح صوفیه یا رساله عدد مقامات یا مقامات‌العارفین» دو مثنوی دیگر ایشان است. رساله سؤال و جواب و رساله در بیان علم و شرح رباعی حورائیه که منسوب به ابوسعید ابی‌الخیر است، از آثار منثور انوار به شمار می‌رود (انوار، ۱۳۳۷: صد و هشت و صد و نه؛ سیوری، ۱۳۹۶: ۵۳؛ برزگر خالقی، ۱۳۹۱: ۲۳۷-۲۴۱).

سخنان قاسم رنگ و بوی افکار صوفیه دارد و در غزل، گرایش به غزل عارفانه دارد و به طور کلی آثار وی اغلب به زبان ساده و در موضوع عرفان و تصوف و به روش صوفیانه نوشته شده است. «نفوذ و بسط عرفان» و «پیداشدن و رواج غزل» که دو مشخصه مهم شعر مکتب عراقی به شمار می‌رود (شمیسا، ۱۳۹۳: ۲۰۱)، در شعر شاه قاسم تأثیرگذار بوده است و سبب شده است که شاعر در غزلیات عارفانه و قلندرانه خود، از نظر سبک بیشتر به سنایی، عطار، مولانا و حافظ توجه داشته باشد.

دکتر نفیسی در مقدمه طولانی که بر کلیات قاسم انوار نوشته است در مورد مشخصه‌های شعری شاعر می‌گوید: «در سخن او آن لطف و کلام و زیبایی الفاظ و خوش‌آهنگی که شعر فارسی را در سراسر جهان معروف کرده است نیست اما وی مانند مولانا در بند لفظ نبوده و مقصود وی از شاعری، بیان کردن افکار بلند حکیمانه و عارفانه‌ای است که داشته است و به همین جهت سخن وی در میان سراینندگان فارسی‌زبان به غزلهای مولانا بیش از دیگران مانده است. خاصیت عمده شعر او مانند مولانا این است که مشحون از آیات قرآن و بیشتر از سخنان و تعبیرات بزرگان تصوف است» (انوار، ۱۳۳۷: صد و هفت و صد و هشت). شعر قاسم انوار از نظر سبک شعری در دایره مختصات کلی سبک عراقی دوره تیموری قرار می‌گیرد و بسیاری از ویژگی‌های

فکری، زبانی و ادبی این سبک در شعر وی دیده می‌شود. یکی از شاخص‌ترین ویژگی‌های سبکی شاعر، توجه ویژه به مضامین عرفانی و مفاهیم خانقاهی در زبان غزل و استفاده از ظرفیت آن برای تبیین نظریات عرفانی، به ویژه عشق مجازی متعالی و نظریه وحدت وجود است (نصیری جامی، ۱۳۹۳: ۱۷۹-۲۰۳ به نقل از سیوری، ۱۳۹۶: ۵۴).

دکتر صفا در مورد سبک غزل‌های قاسم انوار و برتری آن‌ها می‌نویسد: «این غزل‌ها به شیوه شاعران غزل‌گوی زمان نیست که دنبال مضمون‌های باریک و به‌کاربردن تشبیهات واستعارات تازه و کنایات خیال‌انگیز در وصف احوال مختلف خود یا معشوق یا ذکر اوصاف محبوبان می‌گشتند، بلکه بیانات ساده‌ای است در ذکر احساسات و احوال و مقامات عارفی وارسته و جویای حقایق» (صفا، ۱۳۶۳: ۲۶۰/۴).

۳) جایگاه قرآن و حدیث در شعر قاسم انوار

تاریخ ادبیات ایران، به لحاظ توجه به آیات شریف قرآن و روایات گرانقدر معصومین (ع) از جایگاه قابل قبولی برخوردار است و سخنوران و اهل ادب و اندیشه با توجه به اهدافی که پیش از این به آن‌ها اشاره شد، به آذین‌بندی سخن خود با آیات قرآن و کلام معصوم (ع) در قالب‌ها و موضوعات گوناگون از جمله موضوعات ادبی، عرفانی، فلسفی، تاریخی و... می‌پرداختند. میزان بهره‌گیری از قرآن و حدیث در آثار و دواوین بزرگان و شاعران هر دوره یکسان نیست. از آن‌جا که بهره‌گیری از معارف عمیق و والای قرآنی و حدیثی در هر اثر، نیاز به تخصص در زمینه علوم قرآنی و حدیثی و آشنایی با ادبیات قرآن دارد، لازم و ضروری است که شاعر علاوه بر طبع توانای شاعری، از علوم و معارف مرتبط با این دو منبع الهی اطلاعات کافی داشته باشد. در مورد تاریخ تأثیر فرهنگ و آموزه‌های اسلامی بر ادبیات و شعر فارسی باید گفت که «تجلی قرآن و حدیث در سروده‌های پارسی-گویان سده‌های سوم و چهارم چندان گسترده و پر و پیمان نیست». این امر، هم به جهت تولد و دوران کودکی شعر فارسی است و هم به جهت مضمون و موضوعات آن دوره‌ها که بیشتر بر پایه مدح و ستایش و عشق و... دور می‌زد (راستگو، ۱۳۹۱: ۶ و ۷).

بهره‌گیری و الهام از مضامین و تعبیر قرآنی و حدیثی، بیشتر از قرون پنجم و ششم هجری به بعد گسترش پیدا کرده و در سده‌های هفتم و هشتم به اوج خود می‌رسد. قاسم انوار از جمله شاعران و عارفانی است که در قرون هشتم و نهم هجری می‌زیسته و پیرو شاعران سبک عراقی بوده و با توجه به فضای حاکم در آن دوره و میل شاعر به طریقه صوفیه، کلامش مزین به آیات نورانی‌بخش و سخنان امامان معصوم (ع) شده است. با توریق دیوان اشعار وی و مطالعه آثار منشور ایشان از جمله مقدمه انیس‌العارفین، رساله سؤال و جواب و رساله در بیان علم، می‌توان به میزان عنایت شاعر به آموزه‌ها و معارف قرآنی و حدیثی پی برد. شاعر در این نوشته‌ها، سخنی را بیان نکرده است که در آن به آیه یا حدیثی استناد نجسته باشد. علاوه بر این، قاسم انوار در چند غزل، مودت و عشق خاص خود را به اهل بیت عصمت و طهارت (ع) نشان می‌دهد. ابراز ارادت به حضرت علی (ع)، امام حسین (ع)، امام جعفر صادق (ع) و حضرت ولیعصر (عج) در شعر این شاعر به وضوح نمایان است. غزل عارفانه شاعر در مدح حضرت علی (ع) نیز نمونه‌ای از ارادت و اقتدای شاعر به آن امام همام است (بهمنی مطلق، ۱۳۹۴: ۷۴). در همین غزل است که شاعر، از برخی آیات و روایاتی که در فضیلت علی (ع) نازل شده، به زیبایی تمام اقتباس کرده است، از جمله اینها می‌توان به «هل أتی»، «لافتی»، «لحمک لحمی» و... اشاره نمود.

احترام و عنایت شاه قاسم به قرآن، علاوه بر استشهادهای متعدد وی به آیات کلام الله، به نحوی دیگر نیز بیان شده است. از جمله در مصراع: «قرآن که در او نیست خلافتی به حقیقت» (غزلیات/۳۶۴۱) که حاکی از ایمان و اعتقاد کامل به کتاب الهی است و همچنین اشاره به ویژگی سوره فاتحه (حمد) در بیت زیر:

قاسمی و صحبت فقیه مقلد؟ فاتحه خوانیم بهر رفع بلیات

(غزلیات/۴۶۷)

و عنایت تمام به طه و یاسین در بیت زیر که هم می‌تواند اشاره به دو سوره قرآن به همین نام باشد و هم مقصود، پیامبر عظیم‌الشأن اسلام (ص) باشد:

خدایا از بلای خود نگه‌دار به حق حرمت طه و یاسین

(غزلیات/۴۳۱۳)

شاعر در بیت زیر نیز که یکی از ملمعات ترکی و فارسی وی به شمار می‌رود، به یک اصطلاح حدیثی (حدیث معنعن) اشاره دارد که این امر، نشان از آشنایی و اطلاعات ایشان در زمینه حدیث‌شناسی و اصطلاحات حدیثی است:

از ذات تا صفات و از آنجا به عقل و نفس منقول گشته‌ای که حدیث معنعنی

(غزلیات/۵۰۵۹)

حدیث معنعن، حدیثی است که در سند آن از آغاز تا انتها، عبارت «عن فلانٍ عن فلانٍ» به کار رفته است، بدون اینکه متعلق جارّ بیان شود که آیا از طریق روایت بوده یا تحدیث یا اخبار یا سماع و جز آن. در وجه تسمیة معنعن گفته‌اند: مصدر جعلی و مأخوذ از عنعنه است که از تکرار حرف مجاوزه (عن) أخذ شده است (غفاری، ۱۳۹۳: ۴۵).

با مطالعه برخی غزل‌ها می‌توان ملاحظه کرد که شاعر به بیش از چند آیه و حدیث نظر داشته و به شیوه‌های گوناگون از جمله اقتباس از واژگان و ترکیب‌های قرآنی یا ترجمه و تفسیر مفاهیم و معارف قرآنی، کلام خود را تزیین نموده است. ترکیب‌ها و عبارات «حمد لله»، «رب العالمین»، «عین‌الیقین»، «خیرالوارثین» و «اطلبوا العلم ولو بالصین» تنها در یک غزل و «رحمة للعالمین»، «رب العالمین» و «خالق الانسان من ماء مهین» و بسیاری مضامین قرآنی دیگر در یک غزل دیگر، حاکی از توجه شاعر به قرآن و کلام معصومان (ع) و ظرفیت‌های مضمون‌سازی این کلام مافوق بشر است. گاه هم شاعر، در یک بیت از سه لفظ و عبارت قرآنی بهره برده است:

«ستة ایام» گفت و «سبع سماوات»
 «ثم علی العرش استوا» است نهایات
 حضرت حق را عروش نامتناهیست
 فاش بگویم عروش جمله ذرات

(غزلیات/۴۶۱ و ۴۶۲)

۴) انواع و گونه‌های اثرپذیری قاسم انوار از قرآن و حدیث

شیوه‌های اثرپذیری و بهره‌گیری قاسم انوار از قرآن و حدیث، متنوع، نوآورانه و هنرمندانه است. این شاعر، با بهره‌گیری از ساختار عربی واژه‌ها و ترکیب‌های قرآنی و حدیثی، ترجمه و اقتباس از جملات و عبارات، تلمیح به داستان‌های پیامبرانی که در قرآن از آن‌ها نام برده شده است و همچنین الهام از معارف و مضامین قرآنی و حدیثی، به شعر خود زینت بخشیده است. بدیهی است که هر شاعری در بهره‌گیری از قرآن و حدیث، علاوه بر شیوه معمول، روش‌های خاصی را نیز در آیین‌بندی شعر خود با مضامین و تعبیر قرآنی و حدیثی داشته‌اند و در این زمینه، هر کدام صاحب سبک و خالق نوآوری‌هایی در اسلوب و روش هستند. قاسم انوار در اثرپذیری از قرآن و حدیث، گونه‌ها و شیوه‌های مختلفی به کار گرفته است که به طور کلی در پنج محور زیر قابل دسته‌بندی است:

الف) گاه از واژگان و ترکیب‌های قرآنی و حدیثی بهره برده است (چه با ساختار اصلی و چه ترجمه فارسی آن) مثل جنه-المأوی، طامة‌الکبری، حب‌الوطن، کوه طور، ید بیضا.

ب) گاه به بخشی از عبارات قرآنی و حدیثی اشاره کرده است، مانند «هدی للمتقین»، «أو أدنی»، «كنت کنزاً» و «لی مع الله». ج) گاه یک گزاره قرآنی و حدیثی که معنای کاملی را القا می‌کند در شعر به کار رفته است: مثل «لن تنالوا البر حتی تنفقوا»، «خالق الإنسان من ماء مهین» و «جف القلم بما هو کاین».

د) گاهی آن بخش از آیه قرآنی که مورد نظر شاعر بوده است و برای هر بخش آن مضمون جدیدی در نظر دارد، در دو قسمت جداگانه و به شیوه پراکنده آورده شده است، مثل «الست و بلی»، «أرنی و لن ترانی»، «ما رمیت و إذ رمیت» و «نون و قلم».

ه) گاهی شاعر از مضمون و مفاهیم قرآن و حدیثی الهام گرفته است که می‌تواند ترجمه آیه قرآن یا تفسیری از آن باشد. تمامی این مواردی که ذکر شد گاهی مواقع با دگرگونی در الفاظ و معانی واژه‌ها و عبارات قرآنی و حدیثی همراه است و گاه بدون هیچ تغییری، مورد اقتباس شاعر قرار گرفته است.

یک ویژگی خاصی که در اثرپذیری قاسم انوار از قرآن و حدیث به وفور یافت می‌شود این است که گاه شاعر پس از ذکر الفاظ و عبارات قرآنی، بنا به طریقه صوفیه، به تفسیر و توضیح آیه یا حدیث پرداخته است. تفسیر وی از آیات قرآن کریم، تفسیری عرفانی و با رویکرد عرفانی مفسران عارفی نظیر ابن‌عربی، خواجه‌عبدالله انصاری، میبیدی و... سازگار است. این خصوصیت در اشعار زیر به روشنی نمایان است:

«کل یوم هو فی شأن» ز چه کردند بیان؟
 یعنی اوصاف کمال تو ندارد پایان

(غزلیات/۴۱۰۳)

«هدی للمتقین» گفتند: یعنی
 بگو: تقوی چه باشد؟ راه پاکان
 بصورت و ممان از صرف معنی
 هدایت، رفتن از مولی بمولی

(غزلیات/۴۷۰۰ و ۴۷۰۱)

«وهو معکم» گفت از این معنی چه خواست؟
 این معیت چیست باری فی‌المثل؟
 یعنی جان‌ها در بقای حق فناست
 جان‌ها صوت و این معنی صداست

(غزلیات/۶۱۴ و ۶۱۵)

هنرنمایی دیگر شاعر در اثرپذیری از قرآن و حدیث، درج عبارات و گزاره‌های قرآنی و حدیثی در جایگاه قافیه و ردیف است. یکی از سبک‌ها و شیوه‌های رایج قاسم انوار در بهره‌گیری از قرآن و حدیث، التزام شاعر در به کارگیری واژه‌ها و ترکیب‌های قرآنی در جایگاه قافیه است. به عنوان نمونه ترکیب‌های «سبع مثنائی»، «بیت‌الحرام» و بسیاری ترکیبات دیگر و همچنین گزاره‌های قرآنی و حدیثی «ایاک نستعین» و «لولاک» همه و همه، در قافیۀ غزلیات وی جای گرفته‌اند. عبارت قرآنی «الحمد لله» (اعراف/۴۳؛ اسراء/۱۱۱؛ نمل/۵۹) که از امثال قرآنی نیز به شمار می‌رود و «سلام علیکم» (رعد/۲۴؛ زمر/۷۳؛ انعام/۵۴) و گزاره حدیثی «کالصبر مفتاح الفرج» (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴: ۳۰۷/۲۰؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۳۵/۸) به ترتیب در مطلع غزل‌های زیر، در جایگاه ردیف تکرار شده‌اند:

به جانان زنده‌ام، الحمد لله ز مستی مرده‌ام، الحمد لله

(کلیات، ص ۲۸۰)

ای دوی درد بیماران، سلام علیکم ای شفای راحت هر جان، سلام علیکم

(کلیات، ص ۲۱۰)

ای دل چو پیش آمد غمی، ان را فرج دان نه حرج برخوان به پیش صابران کالصبر مفتاح الفرج

(کلیات، ص ۱۰۶)

نکته دیگری که در مورد وام‌گیری قاسم انوار از قرآن و حدیث باید به آن توجه داشت این است که در بیشتر مواضع، واژگان و عباراتی که شاعر از قرآن و حدیث وام گرفته است، تنها برای بیان و تأیید مضمون شعر خود به کار برده است. به عبارتی واژه‌ها و ترکیب‌ها در جهت ارائه مضمون و معارف قرآنی و حدیثی در قالب کلام موزون به کار نرفته‌اند، تنها به عنوان واژه یا ترکیبی عربی برای تکمیل مضمون شعر و حتی پرکردن وزن و قافیه، بهره برده شده است. استاد همایی در جایی به این ظرفیت اقتباس از آیه یا حدیث اشاره کرده و گفته‌اند: «گاهی از کلام اقتباس شده، معنی اصلی مراد نیست، بلکه متضمن ابهام و توریه است، نظیر بیت:

از سر شب تا سحر بر آن رخ چون آفتاب برفشاندم زلف او حَتَّى تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ

که اقتباس از آیه شریف: (فَقَالَ إِنِّي أَحْبَبْتُ حُبَّ الْخَيْرِ عَنْ ذِكْرِ رَبِّي حَتَّى تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ) (ص/۲۳) است. این آیه مربوط به یکی از داستان‌های قرآنی درباره حضرت سلیمان (ع) است، اما مقصود شاعر پنهان شدن آفتاب رخسار محبوب است در زیر پرده سیاهی زلف شب رنگ» (همایی، ۱۳۸۹: ۲۴۴) ملاحظه می‌شود که شاعر با استفاده از لفظ و محتوای قرآنی، در صدد بیان موضوعی است که خود، پرداخته و بر ساخته است نه بیان مقصود اصلی آیه.

در شعر قاسم انوار هم به عنوان مثال می‌بینیم که شاعر با استفاده از ترکیب قرآنی «الله اعلم» - که به نوعی در میان مردم ضرب‌المثل هم شده است - در آیات قرآنی متعددی از جمله: (اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا فِي أَنْفُسِهِمْ) (هود/۳۱) (وَ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يُوعُونَ) (انشقاق/۲۳) به موضوعی که با آیات مذکور ارتباطی ندارد و مقصود شاعر، معنی اصلی آیه نیست، پرداخته است:

واعظان گویند: ما مفتی دانا گشته‌ایم بر چنین افسانه‌ها «الله اعلم» می‌زنیم

(غزلیات/۳۷۲۹)

یا مثلاً با ترکیب قرآنی «مُحْيِي الْمَوْتِ» (فصلت/۳۹) به مفهومی که خود، ساخته و پرداخته است (خاصیت حیات‌دهندگی عشق) اشاره کرده است:

خواهی لقب از خضر کن و خواه مسیحا عشقست بهر حال که او محیی موتاست

(غزلیات/۵۰۵)

نتیجه‌گیری

تاریخ چندصد ساله ادب فارسی، بزرگان و اندیشمندانی پرورنده است که متأسفانه در هیچ دوره‌ای چنان که بایسته است به آن‌ها توجه نشان داده نشده و همواره گرد نسیان بر آثار و اندیشه‌های ایشان رخنه افکنده است. قاسم انوار از جمله همان شخصیت‌های ادبی و عرفانی است که حق وی - آنگونه که به برخی از بزرگان هم‌عصر ایشان بها داده شده است - حداقل در برخی از زمینه‌های خاص و ویژگی‌های منحصر به فرد آن ادا نشده است. از مجموع مباحث این جستار که با هدف بررسی و دسته‌بندی یکی از جنبه‌های شعری قاسم انوار به رشته تحریر کشیده شده است و آن جنبه، «بررسی مضامین و شیوه‌های اثرپذیری قاسم انوار از قرآن و حدیث» است، می‌توان به نکته‌های زیر اشاره نمود:

۱) با واکاوی در اشعار قاسم انوار تبریزی، به این مطلب دست یافتیم که آیات قرآن و احادیث، به شیوه‌های گوناگونی و اشکال متنوع در آثار ایشان تبلور یافته است و در آمیختگی آثار و اشعار ایشان با مضامین و تعبیر قرآنی و حدیثی، به وضوح قابل مشاهده است. طبق دسته‌بندی این مقاله، اثرپذیری قاسم انوار از قرآن و حدیث عبارت می‌شوند از: اقتباس از الفاظ و ترکیب-های قرآنی و حدیثی؛ اعم از ساختار عربی یا اصل قرآنی و ترجمه فارسی آن‌ها، اثرپذیری از بخشی عبارات قرآنی و حدیثی یا گزاره‌ای که القاکننده معنای کاملی است.

۲) اقتباس دو عبارت از آیه یا حدیث به صورت مستقل (شیوه پراکنده) در شعر قاسم انوار، گاه به خلق تعبیری ظریف و نوآوری‌هایی در مضمون‌سازی می‌انجامد که حلاوت و لطافت خاصی به شعر این شاعر بخشیده است. نمونه‌ای دیگر از هنرمندی و چیره‌دستی شاعر در زمینه اثرپذیری از قرآن و حدیث، الهام از مضامین قرآنی و مفاهیم روایی و بیان آزادانه و بدون اشاره به واژه یا گزاره‌ای قرآنی یا حدیثی است. این شیوه اقتباس که ترجمه و برداشتی از آیه یا حدیث است، خواننده را به تفکر و تأمل وامی‌دارد، تا در مسیر کشف رابطه معنایی میان شعر و مفهوم قرآنی و حدیثی کوشش کند.

۳) علاوه بر شیوه‌های مذکور، شیوه‌های جدیدی را شاعر در بهره‌گیری از قرآن به کار برده است که می‌توان از آن به عنوان یک مشخصه و خصوصیت شعری وی یاد کرد. «تفسیر و تأویل برخی آیات پس از ذکر اصل ترکیب یا عبارت قرآنی» و همچنین «درج عبارات قرآنی و حدیثی در محل قافیه و ردیف»، از برجسته‌ترین این خصوصیات در زمینه اثرپذیری از کلام الله مجید و سخنان اهل بیت (ع) است. تفسیر و تبیین شاعر به دنبال عبارات و گزاره‌های قرآنی و حدیثی، اغلب به بیانی ساده و زبانی روان و به طریقه عرفای مفسر و بزرگان صوفیه است.

منابع و مراجع

الف) کتب

- ۱- قرآن کریم، (۱۴۱۹)، ترجمه محمد مهدی فولادوند، چاپ سوم، تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
- ۲- ابن‌ابی‌الحدید، عبد الحمید بن هبة الله، (۱۴۰۴)، شرح نهج البلاغه، مصحح: محمد ابوالفضل ابراهیم، ۱۰ جلد، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.
- ۳- انوار تبریزی، قاسم، (۱۳۳۷). کلیات، تصحیح و مقابله و مقدمه سعید نفیسی. تهران: کتابخانه سنائی.
- ۴- براون، ادوارد، (۱۳۳۹)، تاریخ ادبی ایران؛ از سعدی تا جامی، ترجمه و حواشی علی‌اصغر حکمت، جلد ۳، چاپ دوم، تهران: کتابخانه ابن‌سینا.
- ۵- پابنده، ابو القاسم، (۱۳۸۲ش)، نهج الفصاحة، ۱ جلد، تهران: دنیای دانش.
- ۶- چلبی، علی‌اصغر، (۱۳۷۱)، تأثیر قرآن و حدیث در ادب فارسی، چاپ اول، تهران: اساطیر.
- ۷- حراملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹)، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، چاپ اول، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام.
- ۸- دولت‌شاه بن بختیشاه سمرقندی، (۱۳۸۵)، تصحیح انتقادی تذکره الشعراء، تصحیح فاطمه علاقه، چاپ اول، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ۹- دهخدا، علی‌اکبر، (۱۳۷۷)، لغت‌نامه، جلد یازدهم، چاپ دوم از دوره جدید، تهران: دانشگاه تهران.
- ۱۰- راستگو، محمد، (۱۳۹۱)، تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی، چاپ نهم، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- ۱۱- _____، (۱۳۸۲)، هنر سخن‌آرایی (فن بدیع)، چاپ اول، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- ۱۲- راشد محصل، محمدرضا، (۱۳۸۹)، پرتوهایی از قرآن و حدیث در ادب فارسی، چاپ سوم، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، شرکت به‌نشر.
- ۱۳- رضازاده شفق، صادق، (۱۳۵۲)، تاریخ ادبیات ایران، تهران: انتشارات دانشگاه پهلوی.
- ۱۴- زرین‌کوب، عبدالحسین، (۱۳۷۲)، شعر بی‌دروغ، شعر بی‌نقاب، چاپ هفتم، تهران: انتشارات علمی.
- ۱۵- شمیسا، سیروس، (۱۳۹۳)، سبک‌شناسی شعر، چاپ ششم، تهران: میترا.
- ۱۶- _____، (۱۳۹۳)، نگاهی تازه به بدیع، چاپ پنجم، تهران: میترا.
- ۱۷- صفا، ذبیح‌الله، (۱۳۶۳)، تاریخ ادبیات در ایران، چاپ دوم، تهران: فردوسی.

- ۱۸- غفاری، علی اکبر و محمد حسن صانعی پور، (۱۳۹۳)، دراسات فی علم الدراية، چاپ چهارم، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).
- ۱۹- فروزانفر، بدیع الزمان، (۱۳۶۶). احادیث مثنوی. چاپ چهارم. تهران: امیرکبیر.
- ۲۰- کاشفی سبزواری، کمال الدین حسین واعظ، (۱۳۶۹)، بدایع الأفکار فی صنایع الاشعار، ویراسته و گزاردۀ جلال الدین کزازی، چاپ اول، تهران: نشر مرکز.
- ۲۱- مؤذنی، علی محمد، (۱۳۷۵)، مقدمه‌ای بر تأثیر قرآن و حدیث در ادب فارسی، چاپ دوم، تهران: قدیانی.
- ۲۲- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، (۱۴۰۳)، بحار الأنوار الجامعة لدرر اخبار الأئمة الأطهار، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ۲۳- محبتی، مهدی، (۱۳۸۶)، بدیع نو، چاپ دوم، تهران: سخن.
- ۲۴- مدرس، میرزا محمدعلی، (۱۳۶۹)، ریحانة الأدب، تهران: انتشارات خیام.
- ۲۵- وحیدیان کامیار، تقی، (۱۳۸۸)، بدیع از دیدگاه زیبایی‌شناسی، چاپ چهارم، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).
- ۲۶- هاشمی، احمد، (۱۳۹۰)، جواهرالبلاغه، ترجمه محمود خورسندی و حمید مسجد سرائی، چاپ سوم، قم: پیام نوآور.
- ۲۷- هدایت، رضا قلی بن محمد هادی، (۱۳۸۵)، تذکره ریاض العارفین، مقدمه و تصحیح و تعلیقات ابوالقاسم رادفر و گیتا اشیدری، چاپ اول، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ۲۸- _____ (۱۳۳۹)، مجمع الفصحا، به کوشش مظاهر مصفا، تهران: امیرکبیر.
- ۲۹- _____ (۱۳۸۳)، مدارج البلاغه در علم بدیع، تصحیح حمید حسنی و بهروز صفرزاده، چاپ اول، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- ۳۰- همایی، جلال الدین (۱۳۸۹)، فنون بلاغت و صناعات ادبی، چاپ اول، تهران: اهورا.

ب) مقالات

- ۱- بزرگر خالقی، محمدرضا، (۱۳۹۱)، «نگرشی نو به شاه قاسم انوار»، کاوش‌نامه زبان و ادبیات فارسی، شماره ۲۴، صص ۲۴۵-۲۲۱.
- ۲- بهمنی مطلق، یدالله، (۱۳۹۴)، «جایگاه اهل بیت (ع) و عارفان بزرگ اسلامی در اشعار عرفانی قاسم انوار»، عرفان اسلامی، شماره ۴۵، صص ۷۳-۹۰.
- ۳- سیوری، راجر مروین، (۱۳۹۶)، «قاسم انوار»، اطلاعات حکمت و معرفت، ترجمه و تحقیق محمودرضا اسفندیار، جمشید جلالی شیجانی، سال دوازدهم، شماره ۹، صص ۵۳ و ۵۴.